

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

عنوان :

روابط سیاسی چین و روسیه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵

استاد راهنما :

دکتر اصغر جعفری ولدانی

استاد مشاور :

دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی

رشته روابط بین الملل

دانشجو :

احمد ستارزاده

تقدیر و تشکر

قبل از هر چیز بر خود لازم و واجب می دانم، طبق فرموده حضرت علی (ع) «**من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً**»، از تمامی معلمان و استادانی که مرا تربیت فرمودند، کمال تشکر را بنمایم. همچنین از تمامی دوستان و آشنایانی که اینجانب را تشویق و کمک کردند نیز تشکر می کنم. و بالاخره از پدر و مادرم و نیز همسرم که به خاطر تحصیل من متحمل سختی های زیاد شده اند بی نهایت متشکرم و سپاس شان می گویم لذا این پایان نامه را به **پدر و مادرم و همسرم** تقدیم می کنم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول : کلیات
۱	الف: بیان مسئله
۳	ب: پیشینه تحقیق
۴	پ:سوال
۴	ت:فرضیه
۴	ث:متغیر مستقل
۵	ج:متغیر وابسته
۶	چ:تعریف مفاهیم
۶	۱-همگرایی
۶	۳-امنیت انرژی
۷	۴-چند جانبه گرایی
۷	۵-یکجانبه گرایی
۷	۶-شوک درمانی
۷	۷-استراتژی سپر دفاع ملی موشکی
۸	۱۲-چند قطبی
۸	۱۳-نظام تک قطبی
۸	ح:هدف تحقیق
۸	خ:ضرورت تحقیق
۹	د:روش تحقیق
۹	ذ:سازماندهی تحقیق
	فصل دوم: چهار چوب تئوریک
۱۱	الف: رئالیسم
۱۲	ب: نئورئالیسم
۲۴	منابع فصل دوم
	فصل سوم : عوامل داخلی تاثیر گذار بر روابط سیاسی چین و روسیه
۲۹	بخش اول : محیط سیاست گذاری چین و روسیه و اصلاحات اقتصادی
۳۰	محیط سیاست گذاری و روسیه

۳۳	جایگاه چین در سیاست خارجی روسیه
۳۵	جایگاه روسیه در سیاست خارجی چین
۳۷	اصلاحات اقتصادی در روسیه
۴۱	اصلاحات اقتصادی در چین
۴۷	بخش دوم: نیاز چین به منابع انرژی (نفت و گاز)
۴۸	نفت
۵۱	گاز طبیعی
۵۲	امنیت انرژی چین
۵۴	استراتژی جدید انرژی چین
۵۶	منابع نفت و گاز روسیه
۵۷	شرکت های بزرگ صادر کننده نفت و گاز روسیه
۵۷	الف: شرکت گازپروم
۵۷	ب: شرکت ترانس نفت
۵۸	اهمیت ذخایر انرژی روسیه
۵۹	وابستگی روسیه به فروش نفت و گاز
۶۱	بخش سوم: نیازهای تسلیحاتی چین و قابلیت های روسیه در این زمینه
۶۱	توانایی تسلیحاتی روسیه
۶۴	وجود ذخایر اورانیوم در روسیه
۶۸	وابستگی تسلیحاتی چین به روسیه
۷۰	اهداف روسیه
۷۱	۱- رقابت منطقه ای با امریکا
۷۱	۲- مدنیزه کردن نیروی نظامی
۷۲	اهداف چین
۷۲	۱- سطح داخلی یا ملی
۷۲	الف: نقش رهبری
۷۳	ب: نقش ایدئولوژی
۷۳	۲- سطح منطقه ای
۷۴	۳- سطح بین المللی
۷۶	منابع فصل سوم

فصل چهارم: عوامل منطقه ای تاثیر گذار بر روابط سیاسی چین و روسیه

۸۳	بخش اول: گسترش ناتو به سمت شرق
۸۴	برداشتی واقع گرایانه از توسعه ناتو
۸۶	تحولات در ناتو
۸۷	موارد گسترش ناتو به شرق
۸۷	۱- منطقه قفقاز و آسیای مرکزی
۸۸	۲- با لکان بالتیک ، اسکاندیناوی
۸۹	مطالعه موردی: اکراین
۹۲	تغییر نقش و ماموریت های ناتو
۹۳	اهداف ناتو در گسترش به شرق
۹۴	۱- جلوگیری از احیای مجدد قدرت روسیه
۹۴	۲- مهار اسلام گرایی
۹۵	۳- مهار جمهوری اسلامی ایران
۹۶	رویکرد چین به گسترش ناتو
۹۹	مواضع روسیه نسبت به گسترش ناتو
۹۹	انتخابهای روسیه در قبال گسترش ناتو
۱۰۰	انتخابهای چین در قبال گسترش ناتو
۱۰۱	بحران کوزوو
۱۰۲	تاثیر بحران کوزوو بر چین و روسیه
۱۰۴	تاثیر بحران کوزوو بر روابط دوجانبه
۱۰۶	بخش دوم: حضور آمریکا در آسیای مرکزی
۱۰۶	حضور و اهداف آمریکا در آسیای مرکزی
۱۱۰	روسیه در آسیای مرکزی
۱۱۱	چین در آسیای مرکزی
۱۱۴	بخش سوم: سپر دفاع موشکی ایالات متحده
۱۱۵	طرح سپر دفاع ملی موشکی
۱۱۶	استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی
۱۱۷	واکنش ها در برابر استقرار سیستم دفاع موشکی
۱۱۷	۱- دیدگاه اروپای غربی
۱۱۸	۲- دیدگاه چین
۱۱۹	۳- دیدگاه روسیه و اقدامات آن

۱۲۰	پیامدهای تصمیم روسیه برای خروج از معاهده CFE
۱۲۲	بخش چهارم: روابط امنیتی آمریکا و ژاپن
۱۲۲	روابط امنیتی آمریکا و ژاپن
۱۲۴	نگرانی چین از روابط آمریکا-ژاپن
۱۲۵	پیامدهای روابط آمریکا و ژاپن از دید چین
۱۲۵	۱- ژاپن محافظه کارتر با سیاستی خشن تر در قبال چین
۱۲۶	۲- تبدیل ژاپن به یک بازیگر نظامی عمده
۱۲۸	۳- تنگه تایوان
۱۲۹	منابع فصل چهارم

فصل پنجم: عوامل بین المللی تاثیر گذار بر روابط سیاسی چین و روسیه

۱۳۸	بخش اول: یکجانبه گرایی آمریکا
۱۴۴	ابعاد یکجانبه گرایی آمریکا
۱۴۴	۱- تضعیف معاهده NPT
۱۴۴	۲- مخالفت با تاسیس دیوان کیفری بین المللی
۱۴۵	۳- الغا معاهده ABM
۱۴۶	۴- خودداری از امضا پیمان کیوتو
۱۴۷	۵- استراتژی امنیت ملی
۱۴۷	الف: کنترل روابط چین و روسیه
۱۴۸	ب: تحکیم همکاری نظامی و امنیتی با هند و ژاپن
۱۴۸	ج: پیشنهاد به چین و روسیه در مورد مبارزه با گروههای رادیکال اسلامی
۱۴۸	د: پیشنهاد آمریکا به روسیه در مورد عدم انتقال WMD به چین
۱۴۹	۶- جنگ عراق
۱۵۱	نگرانی های روسیه از یکجانبه گرایی آمریکا
۱۵۳	نگرانی ها و تصورات چین از یکجانبه گرایی آمریکا
۱۵۷	بخش دوم: سازمان همکاری شانگهای
۱۵۷	برداشتی نئورئالیستی
۱۶۳	تاریخچه سازمان همکاری شانگهای
۱۶۵	اصول و اهداف سازمان همکاری شانگهای
۱۶۵	سازمان همکاری شانگهای و همکاریهای اقتصادی
۱۶۸	همکاریهای منطقه ای در قالب SCO

۱۷۱	شکل گیری مثلث استراتژیک
۱۷۳	SCO و روند چند جانبه گرایی برای مقابله با یکجانبه گرایی آمریکا
۱۸۳	منابع فصل پنجم
	فصل ششم . روابط سیاسی چین و روسیه
۱۹۱	بخش اول : روابط شوروی و چین پس از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۹۰
۱۹۵	بخش دوم : روابط سیاسی چین و روسیه از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵
۱۹۵	الف: دوره یلتسین
۱۹۹	مؤلفه های مهم روابط چین و روسیه در زمان یلتسین
۱۹۹	۱- برقراری صلح و آرامش در مرزهای مشترک
۲۰۰	۲- افزایش همکاریهای اقتصادی
۲۰۲	۳- همکاری برای ایجاد یک نظام چند قطبی
۲۰۳	ب: دوره پوتین
۲۰۳	پوتین و نگاه به شرق
۲۰۵	روابط سیاسی چین و روسیه در زمان پوتین
۲۰۸	اشتراک نظر دو کشور در مورد بحران بین المللی
۲۰۹	۱- مسئله هسته ای جمهوری اسلامی ایران
۲۱۰	الف. رویکرد آمریکا به مسئله هسته ای جمهوری اسلامی ایران
۲۱۲	ب. رویکرد چین به مسئله هسته ای جمهوری اسلامی ایران
۲۱۳	ج. رویکرد روسیه به مسئله هسته ای جمهوری اسلامی ایران
۲۱۵	۲- مسئله هسته ای کره شمالی
۲۱۵	الف. رویکرد آمریکا به مسئله هسته ای کره شمالی
۲۱۶	ب. رویکرد چین نسبت به مسئله هسته ای کره شمالی
۲۱۸	ج. رویکرد روسیه نسبت به مسئله هسته ای کره شمالی
۲۲۰	بخش سوم : همکاری های نظامی چین و روسیه
۲۲۲	چرا روسیه و چین به همکاری نظامی می پردازند
۲۲۴	میزان واردات تسلیحات چین از روسیه
۲۲۸	منابع فصل ششم
۲۳۵	فصل هفتم : نتیجه گیری
	کتابنامه

الف: بیان مسئله:

با فروپاشی شوروی، جهان با شرایط جدیدی مواجه شد که ناشی از برهم خوردن تعادل و حذف یک ابرقدرت از صحنه رقابت جهانی و ظهور ایالات متحده به عنوان تنها ابرقدرت در جهان بود. اما در کنار این، کانونهای جدیدی از قدرت در سطوح منطقه ای و جهانی شکل گرفته و یا در حال شکل گیری است. به عبارت دیگر در حالی که هم اکنون سنگینی قدرت ایالات متحده بر صحنه بین المللی سایه افکنده است. اتحادیه اروپا، روسیه، چین و نیز قدرتهای منطقه ای چون ایران، هند، ژاپن هر یک به تنهایی و یا با همراهی دیگران در آرزوی ایجاد بلوکی از قدرت در مقابل هژمونی ایالات متحده هستند. هر یک از این بازیگران ظرفیت قرار گرفتن در کانون قطب بندیهای جدید در سطوح جهانی را دارا می باشند.

در این راستا چین و روسیه احساس نیاز بیشتری به قطب جدید می کنند. شاید اتحادیه اروپا به لحاظ فرهنگی ایدئولوژیکی و ارزشهای یکسان، احساس نیاز به ایجاد قطب بندی جدید نکند. ولی روسیه مایل است موقعیت از دست رفته خود را در جهان بازیابد. و بدین لحاظ در رویای تحقق ابرقدرتی و مقابله با آمریکاست لذا روسیه با نیروهایی که با آمریکا مشکل دارند، روابط نزدیک و دوستانه ای برقرار می کند. در این راستا چین یکی از کشورهایی است که این ظرفیت را دارد. موقعیت ژئوپلیتیکی و نزدیکی دو کشور به هم نیز به آنها امکانات لازم را فراهم خواهد کرد. در واقع سیر روابط سیاسی روسیه و چین از سال ۱۹۹۰ به بعد، روندی صعودی داشته است. که اوج آن در قالب پیمان شانگهای ۱۹۹۶ و ایجاد سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱ بود. اما ما در بررسی روابط چین و روسیه، گذشته از عوامل ساختاری که در بالا اشاره شد یک سری عوامل منطقه ای نیز باعث گسترش روابط سیاسی چین و روسیه بوده است. گسترش ناتو به شرق، حضور آمریکا و ناتو در حوزه خارج نزدیک

بحران کوزوو، روابط امنیتی آمریکا و ژاپن، حضور آمریکا در آسیای مرکزی و استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی باعث شده که چین و روسیه احساس بکنند توازن قوا در سطح منطقه نیز به هم می خورد. لذا منافع خود را در نزدیکی به یکدیگر می بینند همچنان که در فصل عوامل منطقه ای موثر بر روابط چین و روسیه نیز خواهیم دید مثلاً در بحران کوزوو، چین و روسیه به شدت به سمت همگرایی پیش رفتند همچنان که **استفان والت** می گوید: دولت ها در مقابل تهدید دست به ایجاد اتحادها می زنند. در این مورد نیز چین و روسیه بر این اساس که منافع شان در منطقه به خطر می افتد به سوی یکدیگر سوق داده شده اند. انگیزه های ناشی از منابع انرژی در آسیای مرکزی به خطر افتادن منافع انرژی روسیه و چین نیز مزید بر علت است.

ما در این نوشتار علاوه بر عوامل ساختاری یا بین المللی و عوامل منطقه ای یک سری عوامل داخلی نیز اشاره کردیم که در روابط سیاسی چین و روسیه مؤثر بوده است. لذا ما در فصلی که راجع به عوامل داخلی مؤثر بر روابط چین و روسیه نشان داده ایم که نیازهای تسلیحاتی چین، نیاز به درآمدفروشی تسلیحات برای مدرنیزاسیون نیروی نظامی روسیه، در تعامل چین و روسیه مؤثر بوده است. همچنین بحث محیط سیاستگذاری در روسیه و چین نیز عامل مهمی بوده است. مثلاً با به قدرت رسیدن کمونیست ها در دومای روسیه در سال ۱۹۹۶، انتخاب پریماگف به سمت وزارت خارجه روسیه خود عامل مهمی بوده است چرا که کمونیست ها و پریماگف بیشتر نگاه به شرق داشته اند تا غرب.

از طرف دیگر نیازهای نفتی چین نیز خود عامل مهمی است که در بخش مربوط به آن در آن مورد بحث خواهیم کرد. از طرف دیگر خود روسیه به دنبال بازار مناسبی برای فروش تولیدات نفتی خود است چرا که نزدیک به ۴۰٪ بودجه روسیه به فروش نفت و گاز وابسته است.

لذا همچنان که می‌بینیم عوامل داخلی نیز به نوبه خود نقش مهمی در گسترش یا سستی روابط دارند. تلاش ما در واقع این است که با توجه به اتمامی ابعاد، درک بهتری را از روابط سیاسی چین و روسیه ارائه دهیم.

(ب) پیشنهاد تحقیق:

با توجه به اینکه روسیه و چین از قدرتهای مهم و تأثیرگذار در سطح منطقه و نظام بین‌الملل هستند و هر دو کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل می‌باشند لذا این دو کشور ذهن بسیاری از متفکران را به خود مشغول کرده است. ریچارد ویتز (Richard Weitz) در مقاله «چرا روسیه و چین نمی‌توانند یک اتحاد ضد آمریکایی تشکیل دهند» به بررسی ابعاد سیاسی و امنیتی روابط چین و روسیه پرداخته است. همچنین پتر فردیناند (Peter Ferdinand) مقاله‌های زیادی راجع به روابط چین و روسیه دارد. از جمله مقاله «ظهور، سقوط: شکل‌گیری روابط جدید روسیه چین» که در مجله «اینترنشنال آفیرز» در سال ۲۰۰۷ چاپ شده است به بررسی روابط سیاسی چین و روسیه پرداخته است. از جمله مقالات دیگر او می‌توان به «چین و روسیه: همگرایی پاسخی به جهانی سازی» نام برد که در آن بیشتر مسائل اقتصادی دو کشور را مورد بحث قرار داده است.

درک جی میشل (Derek J. Michel) نیز مقالاتی راجع به روسیه و چین دارد. همچنین بوبولو (Bobolo) از دیگر کسانی است که راجع به چین و روسیه مقاله دارد از جمله مقاله «ظهور روابط استراتژیک چین و روسیه» در مجله اینترنشنال آفیرز سال ۲۰۰۴ را می‌توان نام برد. همچنین در لابلای کتابها فصولی را به روابط چین و روسیه اختصاص داده اند از جمله در کتاب «پس از سقوط: بازی نهایی در جهان تک قطبی» نوشته زیبگینو برژینسکی، ترجمه امیر حسین توکلی در سال ۱۳۸۵ می‌توان راجع به چین و روسیه مطالبی را استخراج کرد.

از متفکرین کشور عزیزمان جمهوری اسلامی ایران نیز می توان جهانگیر کرمی را نام برد که متخصص مسائل روسیه می باشند که مقالات زیادی راجع به روسیه و بعضاً چین دارد. برای مطالعه بیشتر آثار او می توان به مجله «ایراس» مراجعه نمود. بهزاد شاهنده متخصص مسائل چین، از جمله دیگر کسانی است که در عرصه مسائل چین قلم زده است. همچنین از محمدجواد امیدوارنیا می توان نام برد که از متخصصین مسائل چین و روسیه می باشد.

از مترجمان کشور عزیزمان می توان خانم مریم ملانظر مترجم پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع) را نام برد که ترجمه های زیادی راجع به مسائل چین و روسیه دارد از جمله مقاله «روسیه، چین، هند: مثلث استراتژیک جدید برای جنگ سرد» نوشته Joli M Rahm، زمستان ۲۰۰۱ را ترجمه کرده است.

پ) سؤال:

چه عواملی موجب توسعه روابط سیاسی چین و روسیه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ شده است؟

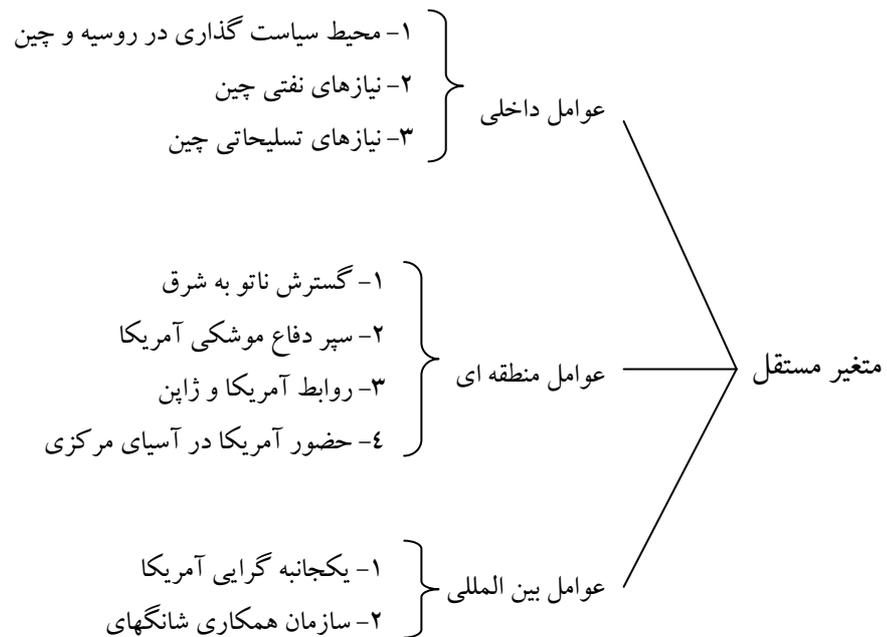
ت) فرضیه:

یک سری از عوامل داخلی، منطقه ای و بین الملل موجب توسعه روابط سیاسی چین و روسیه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ شده است.

ث) متغیر مستقل:

متغیرهای مستقل ما در این تحقیق عوامل داخلی و عوامل منطقه ای یا بین المللی می باشد. به این نحو که در عوامل داخلی به نیازهای چین به بازار روسیه و تسلیحات پیشرفته این کشور و نیز منابع انرژی آن اشاره شده است. و در بحث عوامل منطقه ای یا بین المللی به بحث پیمان شانگهای و یکجانبه گرایی آمریکا، بحث گسترش ناتو به شرق، بحث سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی و بحث روابط

امنیتی ژاپن و آمریکا و نیز حضور آمریکا در آسیای مرکزی پرداخته شده است بنحوی که در تصویر دیده می شود .



ج) متغیر وابسته:

در این تحقیق متغیر وابسته ما روابط سیاسی چین و روسیه می باشد. منظور از روابط سیاسی، گسترش تعاملات سیاسی بین دو طرف همچنین دید و بازدید مقامات دو کشور از یکدیگر می باشد.

چ) تعریف مفاهیم:

۱- **همگرایی: ارنست هاس و فیلیپ اشمیتر** در کتاب «اقتصاد و الگوی همگرایی سیاسی» همگرایی را فرایندی می دانند که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدفهای مشترک صرف نظر کرده، از یک قدرت فوق ملی پیروی می کنند. مساله عمده ای که در فرایند همگرایی میان واحدهای سیاسی مختلف مطرح می شود. توجه به اصل حاکمیت و قدرت است؛ زیرا ممکن نیست در یک سلسله گروه بندیهای منطقه ای، کوچکترین خدشه ای بر هویت دولتها وارد نشود. انگیزه اصلی دولتها برای چنین همکاریهای نزدیکی دسترسی آنها به منافع و امکاناتی است که قبل از ورود به فرایند همگرایی، دست یافتن به آن برایشان غیرممکن بود. (۱).

۲- **امنیت انرژی:** کمیسیون اروپا در تعریف خود از امنیت انرژی چنین بیان می کند: «اطمینان یافتن از تأمین نیازهای اساسی انرژی در آینده از طریق منابع داخلی و تحت شرایط اقتصادی قابل قبول یا ایجاد ذخایر استراتژیک و منابع باثبات خارجی» به طور کلی باید گفت که امنیت انرژی به عرضه مطمئن و پایدار انرژی به بهای منصفانه اشاره دارد.

۳- **چندجانبه گرایی: جان راگی** چندجانبه گرایی را به عنوان یک شکل نهادی و سازمانی تعریف می کند که روابط سه یا تعداد بیشتری از دولتها را بر مبنای اصول کلی رفتار تنظیم می کند. **جان ایکنبری** تعریف دیگری از چندجانبه گرایی ارائه می دهد. او می گوید: چندجانبه گرایی مستلزم کاهش استقلال سیاسی دولتها است. زیرا دولتهای در حال همکاری از نظر رفتاری با محدودیت‌های نهادی و سازمانی روبرو می شوند.

۴- **یکجانبه گرایی:** Pierre- Marie Dupuy یکجانبه گرایی را چنین تعریف می کند: دولتی یکجانبه گرا قلمداد می شود که در بازی دسته جمعی وارد نمی شود. و فقط به صورت منفرد و شخصی بازی می کند و بر این اعتقاد است که موفقیت منافعش در گرو نادیده گرفتن منافع جمع است.

۵- **شوک درمانی:** از نظر **استفان گیل** شوک درمانی مبتنی بر تجربیات اجرا شده در آمریکای لاتین در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۷۰ در کشورهایی همچون شیلی است. اجرای استراتژی شوک درمانی برای آزادی تمایل مردم دولتهای کمونیست سابق برای مبادله و معاوضه و تجارت برنامه ریزی شده بود که تحت نظر صندوق بین المللی پول صورت گرفت. شوک درمانی دست نامرئی را برای امکان پذیر ساختن تعقیب منافع خود فرض می کند اگر زیربناهای نهادین مناسبی همچون بازار، کار، سرمایه ایجاد شود رشد نیز به وجود می آید (۳).

۶- **استراتژی سپر دفاع ملی موشکی: گولدر و لیندسی** استراتژی سپر دفاع ملی موشکی را عبارت از ساخت و ایجاد یک سیستم دفاعی می دانند که این سپر دفاعی می تواند در مقابله با حمله محدود موشک های بالستیک به خاک آمریکا از تمامیت ارضی ۵۰ ایالت آمریکا دفاع کند. سلاح این سیستم دفاعی ضد موشک است که مأموریتش نابود کردن موشک های بالستیک قاره پیمای پرتاب شده به آمریکا در جو زمین است. تفاوت این استراتژی با استراتژی جنگ ستارگان در این است که در جنگ ستارگان لیزر یا ذرات نور موشکهای پرتاب شده به طرف آمریکا را منهدم می ساخت ولی در استراتژی سپر دفاع موشکی، با استفاده از ضد موشک، موشک های پرتاب شده به طرف آمریکا را نابود می کند (۴).

۷- **روابط سیاسی:** در فرهنگ آکسفورد روابط به معنای شیوه یا طریقه ای است که دو فرد یا گروه یا کشور با یکدیگر رفتار می کنند یا با یکدیگر سروکار دارند. یعنی میان A و B یک وضعیت رفت و

برگشت وجود دارد. همچنین روابط به معنای شیوه ای که در آن دو یا خیلی از چیزها به هم وصل هستند و پیوند دارند مثلاً رابطه کشاورز با زمین (۵).

۸- **چندقطبی: یان کلارک** در مقاله «جهانی شدن و نظم پس از جنگ سرد» چندقطبی را این گونه تعریف می کند: «نظامی که در آن قدرت بین تعدادی (حداقل سه) قدرت بزرگ یا قطب توزیع شده باشد (۶).

۹- **نظام تک قطبی: همچنین از نظر یان کلارک** نظام تک قطبی گونه ای از توزیع قدرت بین المللی است که در آن به روشنی فقط یک قدرت مسلط یا قطب مسلط وجود دارد (۷).

ح) هدف تحقیق:

در این تحقیق تلاش شده است که نشان داده شود که چه عواملی باعث گسترش روابط سیاسی چین و روسیه از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ شده است. این تحقیق نشان خواهد داد که یک سری عوامل داخلی، منطقه ای و بین المللی باعث گسترش روابط سیاسی چین و روسیه شده است و عکس العمل روسیه و چین در قبال مسائل منطقه ای و بین المللی چه بوده است.

خ) ضرورت تحقیق:

ضرورت تحقیق از آنجا ناشی می شود که کارهای کمی راجع به موضوع روابط سیاسی چین و روسیه صورت گرفته است حتی کار ترجمه هم به قدر کافی وجود ندارد. یک سری مقالات با عناوین چین و روسیه و احیاناً هند نوشته شده است که بسیار کلی و محدود است. به نحوی که بسیاری از چیزها در آنها ناگفته مانده است. لذا این موارد باعث شده که به این نکته اعتقاد داشته باشیم که این منابع تکافوی پاسخ گویی به حجم وسیعی از سؤالات در این زمینه را ندارد. چرا که در موضوع روابط چین و روسیه اولاً بسیاری از کارهایی که صورت گرفته است مربوط به دهه های قبل از ۱۹۹۰ می باشد و از طرف

دیگر در رابطه با روابط سیاسی دو کشور ما نیازمند کارهای دقیقی هستیم که حجم وسیعی از داده‌ها و شاخص‌های عینی در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی و استراتژیک در آن گنجانده شده باشد. لذا هر چه این داده‌ها بیشتر، دقیق‌تر از منابع معتبرتر استفاده شده باشد، ما هم بهتر می‌توانیم روابط سیاسی چین و روسیه را تبیین کنیم و از جنبه‌های مختلف آن را مورد بررسی قرار دهیم.

(د) روش تحقیق:

روش تحقیقی ما در این تحقیق توصیفی و تبیینی است. روش کار به این صورت می‌باشد که حتی‌الامکان و تا جایی که مقدور بوده است داده‌های عینی و شاخص‌های عینی در زمینه مورد بحث جمع‌آوری شده و براساس آن داده‌ها، فرضیه تحقیق به آزمایش گذاشته شده است. یعنی با نظم بخشیدن و تحلیل این داده‌ها سعی شده است فرضیه را آزمایش کرده و نتیجه‌گیری شود. داده‌ها و شاخص‌های عینی را از طریق اینترنت و از لابلای مقالات انگلیسی و فارسی و اخبار و گزارش‌ها جمع‌آوری کرده و پس از نظم و سامان بخشی به آنها به تحلیل پرداخته شده است. در زمینه تحلیل و ارزیابی نیز سعی شده حتی‌الامکان با ارزیابی داده‌های جمع‌آوری شده به تبیین و تحلیل پرداخته شود.

(ذ) سازماندهی تحقیق: این تحقیق از ۷ فصل تشکیل شده است. در فصل اول طرح کلیات و در

فصل دوم چهارچوب تئوریک مطرح شده است. در فصل سوم عوامل داخلی تأثیرگذار بر روابط سیاسی چین و روسیه ذکر شده است. در فصل چهارم عوامل منطقه‌ای تأثیرگذار بر روابط سیاسی چین و روسیه آورده شده است. در فصل پنجم عوامل بین‌المللی تأثیرگذار بر روابط سیاسی چین و روسیه ذکر شده است. و بالاخره در فصل ششم روابط سیاسی چین و روسیه را شرح داده‌ایم. و در فصل هفتم نتیجه‌گیری آورده شده است.

فصل دوم:

چهارچوب تئوریک

در پژوهش های روابط بین الملل برای تبیین و تشریح موضوع باید آن را در قالب یکی از نظریه های روابط بین الملل پیاده کرد و با توجه به اصول تئوریک آن نظریه، پژوهش مورد نظر باید شکل بگیرد. بطوریکه مؤلفه ها و شاخص های پژوهش با نظریه همخوانی داشته باشد. هر چند که امروزه خیلی سخت می توان به موضوعی پرداخت که فقط در حوزه یک نظریه قابل تبیین باشد ولی می توان حداقل به اصول اصلی نظریه در پژوهش تکیه کرد که آن اصول می تواند به عنوان راهنمای پژوهش عمل کند.

در این تحقیق چهارچوب تئوریکی که برای بررسی روابط سیاسی چین و روسیه انتخاب کردم نئورئالیسم می باشد چرا که با توجه به سوال و فرضیه در این تحقیق، یک سری عوامل ساختاری باعث گسترش روابط چین و روسیه شده است. از طرف دیگر با توجه به اینکه نئورئالیسم بر منافع محوری بازیگران تأکید دارد. ما در این تحقیق به این پی می بریم که منفعت مشترک و نیاز مشترک چین و روسیه باعث نزدیکی به یکدیگر شده است.

الف) رئالیسم

نظریه واقع گرایی از افکار اندیشمندانی چون توسیدید و نیکولوماکیا ولی الهام گرفته است که واکنشی در برابر مکتب ایدئالیسم یا آرمان گرایی در سیاست بین الملل است. نظریه آرمان گرایی با افزایش تضادهای بین المللی در دهه ۱۹۳۰ و آغاز جنگ جهانی دوم از جذابیتش کاسته شد، زمینه را برای گسترش بیشتر دیدگاه واقع گرایی آماده کرد و با آغاز جنگ سرد نظریه واقع گرایی شالوده تحلیل در روابط بین الملل قرار گرفت.

واقع گرایان نگرش بدبینانه ای به سرشت انسان دارند و برخلاف آرمانگرایان، به هماهنگی منافع کشورها در نظام بین الملل و برقراری صلح پایدار باوری ندارند. در چهارچوب رئالیسم، جهان به همان

گونه که هست بررسی می شود. از دید واقع گرایان، هدف بنیادی دولت های ملی، ماندگاری و پاسداری از خویش است. واقع گرایان به جای توجه به آرمانها در روابط بین الملل، بر قدرت و منافع تأکید می کنند (۸). با افزایش همگرایی منطقه ای در بین دولتهای اروپایی که به ایجاد ارزشهای مشترک بین کشورها و وابستگی متقابل آنها انجامید. واقع گرایان با پرسشهای چندی روبرو شدند. پاسخ به این گونه پرسش ها باعث شکل گیری تئوری نو واقع گرایی شد. که سه الگوی اصلی آن را می توان در نظرات کنت والتز، رابرت گیلپین و رابرت کیوهین دید. اگر سرشت بد بشر محور اصلی تحلیل های واقع گرایانه بود در نظریه نو واقع گرایی ساختار سیستم جهانی و چگونگی توزیع قدرت میان بازیگران یک سیستم موضوع اصلی می باشد (۹) لذا ما به نظریه نو واقع گرایی کنت والتز در اینجا می پردازیم.

ب) نئورئالیسم

کتاب نظریه سیاست بین الملل کنت والتز از مهم ترین متون نظری روابط بین الملل محسوب می شود. والتز در این کتاب نظریه واقع گرایی ساختاری را تشریح می کند که در واقع توضیحی سیستمی از سیاست بین الملل است که او سیاست بین الملل را قلمرو ضرورت و سیاست قدرت معرفی می کند. در این راستا والتز بی تردید یک علم گرا است و خود را مقید به الزامات روش شناختی علمی می داند. و از هر گونه قضاوت مورگنتایی درباره عقلانیت سیاست خارجی می پرهیزد و او تحقیق نظری را فعالیتی رها از ارزش و از نظر سیاسی بی طرف می داند (۱۰).

او بر آن است که باید میان نظریه و قانون تفکیک قائل شد. قوانین حاکی از وجود رابطه ثابت میان پدیده هاست که می توانند غلط یا درست باشند. اما نظریه ها عباراتی اند که آن قوانین را تبیین می کنند و در واقع تصویری ساده شده از واقعیت می باشند. از نظر والتز معیار قضاوت در مورد نظریه ها صدق و

کذب آنها نیست بلکه مفیدیت آنها در تبیین یا پیش بینی است که وابسته به همان انگاره های اخلاقی است. نظریه ها امر مشاهده شده را معنادار می کند و پدیده هارا به گونه ای سازمان می دهد که آنها را در وابستگی متقابل بینیم (۱۱).

نظریه نو واقع گرایی متضمن هستی شناسی فردگرا است، لذا نو واقع گرایی ساختاری، نظام بین الملل را به ویژگی ها و تواناییها و تعاملات عناصر و اجزای تشکیل دهنده آن تقلیل می دهد. نوواقع گرایی اگر چه یک نظریه سیستمیک و غیر تقلیل گرای سطح خرد یا تبیینی است ولی با فروکاستن ساختار به کار گزار دچار تقلیل گرایی هستی شناختی می شود. بنابراین این نظریه تعریفی فردگرایانه از ساختار نظام بین المللی ارائه می دهد که ویژگی ها و خصوصیات کشورها یا به عبارت دیگر توزیع توانایی ها و قابلیت های آنان را تقلیل می دهد. این تلقی و تصور از ساختار موجب می گردد تا نوواقع گرایی نقش و کارکرد ساختار را به صورت محدود کننده انتخاب ها و گزینه های کار گزاران یا کشورها از پیش موجود قلمداد کند. یعنی ساختار تنها برای ایفای کارگزاری کشورها محدودیت ساز می باشد و نقشی در تکوین و تولید آنها ایفا نمی نماید بر این اساس نوواقع گرایی یک رویکرد نظام مند کشور یا کارگزار محور محسوب می شود (۱۲).

با این وجود، نوواقع گرایی ساختاری کنت والتزیک رویکرد نظام مند از نوع تصویر سوم است. این دیدگاه نظری علت و منبع رفتار کشورها و نتایج بین المللی را نظام بین الملل می داند. در واقع همسانی ها و الگوهای رفتاری در سطح واحدها و سیاست بین الملل را به بهترین نحو می توان از طریق فهم و شناخت ماهیت ساختار و ویژگی های دیگر نظام بین الملل توضیح داد. به عبارت دیگر الگوها و قواعد رفتاری حاکم بر سطوح ملی و بین المللی را با شناخت و کشف ماهیت آنارشیکی نظام بین الملل می توان توضیح داد (۱۳).